



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۹

فیاض هاشم زاده

"صالح" شایسته حمایت حقیقی است نه صرف حمایت مجازی

در این چند روز عده ای از نمایندگان ولسی جرگه، به شدت به انتقاد امرالله صالح معاون اول رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، پرداخته و بر او اعتراض دارند که صالح در بیانیه اش در کنفرانس ژنیو عده ای از نمایندگان ولسی جرگه را به فساد و چپاول متهم نموده است، این نمایندگان تعداد دگری از نمایندگان ولسی جرگه را که اصلاً در معاملات سیاه آن نمایندگان متعرض در ولسی جرگه ذیدخل هم نیستند، با خود یکجا نموده و خواهان آن گردیده اند تا رئیس جمهور اشرف غنی، جناب صالح رامستعفی سازد. و نیز این نمایندگان مصمم اند تا دوسیه بنام "اتهامات بی جا و ناوارد، اهانت آمیز و به دور از حقیقت" را که توسط معاون رئیس جمهور امرالله صالح بر آنها وارد شده است، ترتیب و به لوی خرنوالی کشور ارائه نمایند.

قبل از پرداختن به علل اساسی خصومت جدی از سوی این نمایندگان مشهور ولسی جرگه، علیه معاون رئیس جمهور به قوانین کشور نگاه میکنیم که در این زمینه ها چه روش و دساتیری را مشعر است، تذکر نکات قانونی موضوع، این حقیقت را بر ملا می سازد که فهم قانون گزاران ولسی جرگه پیرامون قوانین کشور در چه حد و سطحی قرار دارد... نخست متکی به ماده ۱۰۱ قانون اساسی کشور که می گوید: « هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز میدارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.» همان نمایندگانی که بر گفته های معاون صالح اعتراض دارند، فکر میکنند که این صلاحیت فقط برای اعضای شورای ملی است و معاون رئیس جمهور که از سوی تمام کشور - و نه از سوی یک ولسوالی یا چند ولسوالی - انتخاب شده چنین صلاحیتی را حایز نباشد، نظر به اصل ارجحیت صلاحیت های هیرارشیک، معاون رئیس جمهور بدون تردید دارای این امتیاز است که به دلیل تذکرات و گفته ها و نظراتش مورد تعقیب قرار نمی گیرد. از سوی باید بدانیم که معاون رئیس جمهور به دلیل ارائه اراده حکومت مبنی بر مبارزه علیه فساد، اعضای دونه را تشویق به اجرای کمک های لازم به کشور ما را نموده است، یکی از علل مهم موارد متذکره همین خواهد بود و باز ارائه معلومات و ادعا به معنی وارد کردن اتهام نمی باشد، بر اساس احکام قانون طرح و وارد کردن اتهام از صلاحیت شخص مسلکی یعنی مدعی العموم یا خرنوال یا به اصطلاح ایرانی ها دادستان می باشد، گفته های معاون رئیس جمهور می تواند فقط یک معلومات باشد و نه اتهام... بنابر احکام صریح قانون اساسی همانطور که اعضای شورای ملی دارای مصونیت پارلمانی می باشند، رئیس جمهور و معاونینش از مصونیت بالاتر از مصونیت پارلمانی برخوردار هستند که در قانون اساسی ردیف شده است. تعقیب معاون رئیس جمهور بر مبنای احکام قانون اساسی صرف در حالات ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و جنایت ممکن می باشد،

تنها وزراء اند که تخلفات قانونی شان به طریق رسیدگی یا اصول محاکماتی عادی با کمی خصوصیت زیر بازرسی قرار داده می شود، تعقیب و رسیدگی اعضای پارلمان به شیوه مندرج ماده ۱۰۲ قانونی اساسی به عمل می آید که یک شیوه رسیدگی خاص و خیلی نرم تر از شیوه رسیدگی عادی می باشد.

رسیدگی به جرایم رئیس جمهور و معاونینش خیلی خاص و پیچیده است؛ در صورتیکه رئیس جمهور متهم به جرایم جنایات علیه بشریت، خیانت ملی و یا جنایت باشد، لازم است یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه این اتهام را به ولسی جرگه به رأی گیری بگذارد، پیشنهاد تعقیب این اتهام باید با دوثلث آرای کل اعضای ولسی جرگه تصویب شود و سپس لویه جرگه فراخوانده شود تا با تأیید دوثلث آرای کل لویه جرگه اتهام در جریان بازرسی و تحقیق قرار گیرد.

به این ترتیب دیده می شود که این نمایندگان شاکی - که قانون گزار هم اند - از احکام قانون اساسی آگاهی و اطلاع ندارند، نمی دانند که اولاً معاون رئیس جمهور با تذکراتی که میدهد مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد، و نمی دانند که حتی اگر احیاناً تخلفی هم رخ داده باشد، آن تخلف در ردیف جنایات بزرگ نمی آید که مورد تعقیب قرار گیرد و نمی دانند که متکی به احکام قانون، لوی خرنوالی صلاحیت رسیدگی به جرایم رئیس جمهور و معاونین اش را ندارد زیرا صلاحیت این رسیدگی به هیاتی سپرده می شود که از سوی لویه جرگه تعیین میگردد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

در قانون اساسی ما کدام ماده ای نیست که رئیس جمهور معاون خود را مکلف و یا ناگزیر به استعفی دادن بسازد و نه حالاتی پیش بینی شده است که در آن حالات معاون رئیس جمهور ناگزیر به استعفی گردد تخیل و تصور مستعفی شدن معاون رئیس جمهور از آنانی است که ثروت های را که غارت کرده اند در معرض محو و از دست رفتن می بینند.

حالا موضوع چیست...؟؟ چرا این آقایان به دنبال حذف امرالله صالح افتاده اند، طوری که آشکار است از زمانی که معاون رئیس جمهور اعلام نموده است که قانون را جاری می سازد، دزدان کوچک و بزرگ را در تار عنکبوت قانون می پیچاند، جایداد های غصب شده ای مردم را - دارایی های بیت المال را- و بلند منزل ها را که با فرعونیت سر بلند

کرده اند، به تعظیم قانون و مردم فرود خواهد آورد و راه ها را و شرایط تأمین امنیت را مساعد خواهد نمود، این پلان های معاون رئیس جمهور اژدهار های غارتگر را تحریک و عصبانی نموده است؛ بلند منزل های غیر قانونی و قصر های فرعونی که با دارایی های غارت شده در شهر ها، همچو داینوزار های خونخوار سر برافراشته اند، مافیای مواد مخدر و استفاده غیر قانونی از مکان های عامه و زمین های گرانبهای دور و پیش میدان هوایی و مناطق دیگر شهر کابل که از سوی غاصبان زورمند غصب گردیده و ده ها دارایی های دیگر متعلق به تمام مردم فقیر کشور که طی دو سه دهه اخیر به یغما برده شده اند، در متن پلان های طرح شده امرالله صالح به خودی خودی جا میگیرند.

پلان "مبارزه علیه جرایم" و میثاق امنیتی امرالله صالح معاون اول رئیس جمهور کشور این ثروت های انباشته شده که از همه آنها بوی خون و باروت و مواد مخدر و تعفن و غارت حق مردم به مشام میرسد، همه به خطر ضبط و اعاده به بیت المال مواجه اند؛ فریاد ها، اتهام بستن ها و چیغ زدن ها از درد همین تهدید است که غارتگران داخل شورای ملی و خارج آنرا به جست و خیز انداخته است.

در این مقطعه رویداد محبوبیت عده ای از نمایندگان ولسی جرگه تا حدی گسترده شده است، که تعداد کثیری از هموطنان خواهان انحلال ولسی جرگه گردیده اند ولی قانون اساسی ما این خواست مردم ما را بر آورده ساخته نمی تواند زیرا انگار سرکرده های این مالکان بلند منزل ها از ادخال ماده ای که انحلال شورای ملی را جواز اعلام کند، جلوگیری کرده بوده باشند. به این جهت تقاضای انحلال پارلمان یک تقاضای فرا قانونی خواهد بود.

واکنش صریح و خشن "سر های که پر دارند" نشان داد که مردم ستمدیده کشور با یک مافیای قوی، ظالم و بی رحم مواجه است که به هیچ فرزند صاف این وطن ترحمی نمی کند.

واقعیت این است که افغانستان بعد از دیر ها فرزند برومند، دلسوز، ملی را در آغوش دارد که کمر بسته است این قطعه را کمی از خاک بلند کند و سر و رویش را پاک و در راه صحیح رهنمایی نماید.

امرالله، کدر ورزیده، حکومتدار، دولتمرد و فرد مجری است که تجربه فراز و نشیب کار های متفاوت را اندوخته است و این تجارب را در اختیار خدمت به وطن و مردمش قرار میدهد، آگاهی و تجارب تخصصی امرالله در سطح و مرتبتی است که امکان دارد در میان کدر های بلند دولتی، یک دولتمرد منحصر به فرد باشد، شخصیتی که قلبش برای وطن می تپد و وطن و مردمش را در بدل هیچ ارزش دیگر مبادله نمی کند. به همین خاطر است که استخبارات منطقه او را دوست نمی دارند و آرزومند نیستند که امرالله در چنین پستی در وطن ما مشغول و فعال باشد، عجب است که در مورد امرالله استخبارات خون آشام منطقه، طالب، جناح فاسد تنظیمی ها، داعش و اینک مافیای، همه به طور واحد موقف مشترک دارند، این ها آشکار و پنهان نمی خواهند که امرالله حایز صلاحیتی را که کرده، در حفظ منافع حیاتی افغانستان به مثابه یکی از طراحان و تصمیم گیرندگان قرار داشته باشد.

گذشته کار امرالله نشان میدهد که او به اثر تقاضای پاکستان از سوی حامد کرزی خانه نشین شد و اگر نه دلایل محکمی مبنی بر برطرفی اش از پست ریاست امنیت وجود نداشت.

این موضع واحد آن سازمان ها و تمایلات ناخوشایند و شیطانی در برابر امرالله تصدیق مهمی است که نیات مافیای داخلی ما حتی با اغراض کدام تمایلات همخوانی دارد...

هر کس کار میکند، حق دارد، بعضاً در کار نارسایی ناچیز هم داشته باشد، شاید امرالله تصور نمی کرد که حمله بردن به زنبور خانه مافیای کشور چنین چر و پر وسیع به دنبال داشته باشد، این تجربه به معاون رئیس جمهور می آموزاند که در تصامیمش بیش از پیش دقت و تدبیر به کار ببندد.

مردم شریف کشور حتماً میدانند که نظام و دولت موجود - علی الرغم نارسایی هایش - یگانه چانس و فرصت برای ادامه حیات کشور است، آنانی که به منافع ملی وطن می اندیشند و نگران اند، به این حقیقت باور دارند که وجود افغانستان در دولت فعلی تمثیل می شود، نظام مندرج قانون اساسی با این دولت حضور فزینی می یابد، حمایت از دولت موجود و تأیید حضور آن تأیید افغانستان است و مخالفت بنیادی با آن، مخالفت با حضور و وجود کشور تعبیر خواهد گردید، یعنی انتقاد های سازنده از سیاست ها و رویه های آن، توأم با پیشنهادات تکمیلی می تواند به حال دولت اثر مثبت - ولو کم - داشته باشد، اما تخریب بنیادی آن به نفع پاکستان و جواسیس آن خواهد بود،

دولت موجود و کدر عالی و نخبه آن امرالله صالح باید مورد حمایت و سیع، قانونی، مدنی و وطنی قرار گیرد، توجیه، تفسیر و توضیح پلان ها، برنامه ها و کار های دولت و امرالله صالح - تحت رهبری محمد اشرف غنی رئیس جمهور - و انتشار آن در مطبوعات و رسانه ها و ترتیب مدارک و اسناد واقعی از کار و زحمت رهبران دولت، حمایت از این شخصیت وطن

خواه را ریشه یی خواهد ساخت، تنها حمایت در دنیای مجازی برای دفاع و پشتیبانی از امرالله صالح کافی نیست، در عمل باید از پروژه و کار های او حمایت شود.

امرالله صالح و همکارانش باید از او مواظبت کنند، راست افراطی، چپ افراطی، فدرالیست ها پدramی، مافیا، استخبارات منطقه می توانند برای این فرزند واقعی وطن هر لحظه تهدید بی آفرینند. از داخل خدا نکند که او قربانی حس بدبینی، حسادت و رقابت های خصمانه قرار گیرد.

مردم شریف وطن ما در طی تاریخ کشور، نه یک بار که شاید چند بار به دلایل گوناگون - مثل عدم درک صحیح از واقعیت شخصیت های رهبری مملکت، تبلیغات سوئی دشمن در باره کرکتر رهبری مملکت، فعالیت استخبارات دول مغرض و استعماری و نیز غارتگران داخلی که با دشمنان وطن همسویی منافع داشتند - از حمایت، پشتیبانی و همکاری با آن رهبران و کدر های دولتی وطن خواه و مترقی امتناع نمودند، که عواقب وخیم قصیر و طویل المدت آن امتناع ها تا حال در سر نوشت مردم و وطن ما اثر گذاشته و محسوس است. آیا ملت ما باز هم در همان راه امتناع از حمایت و همکاری با رهبری و کدر های وطنخواه و مترقی کشور ادامه خواهد داد؟؟ این بار در این شرایط حساس و تا حدی خطرناک، اگر مردم ما به حمایت رهبری کشور کمر نه بندد، آیا در آینده باز هم چنین فرصتی را خواهند داشت...؟؟ الله و العالم.

پایان